

بررسی سیستم انتخاباتی آمریکا با نگاهی به رقابت‌های حزبی این روزها

## نابازیگران دموکراسی امریکایی

تحلیل  
پنجم خسروی\*



از جورج واشنگتن تا باراک حسین اوباما و اکنون هیلاری کلینتون یا دونالد ترامپ، رؤسای جمهور آمریکا بر اساس سیستمی انتخاب شده‌اند که کاملاً منحصر به فرد است. این سیستم اساساً امریکایی است. دومر حله‌ای بودن فرآیند انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، یعنی حضور مردم در

**مقدمه**  
ارتقای جایگاه دونالد ترامپ در سیستم انتخابات ریاست جمهوری آمریکا از سوی جمهور یخوهران و همچنین صعود غیرمنتظره برنی ساندرز دموکرات باعث حیرت تحلیلگران مسائل آمریکا شده است. اکنون و در حالی که تقریباً مشخص شده است ترامپ نامزد جمهور یخوهران و هیلاری کلینتون نامزد دموکرات‌ها شده است، بسیاری از تحلیل‌های سال گذشته زیر سؤال رفته است. در آن زمان کسی برای ساندرز شانس قائل نبود و وی اصولاً رقیب جدی برای کلینتون به شمار نمی‌رفت. ترامپ نیز فاقد تجربه اجرایی و سیاسی در حد رئیس جمهور آمریکا بود. اکنون اما این احتمال هر روز بیش از پیش، قوت می‌گیرد که در نوامبر ۲۰۱۶ نامزدی به کاخ سفید خواهد رفت که تا پیش از این، کسی برای وی شانس قائل نبود. همه کارشناسان، خاندان بوش از جمهور یخوهران یا کلینتون از دموکرات‌ها را نامزدهای نهایی می‌دانستند که راه سختی برای شرکت در انتخابات در پیش ندارند. اکنون اما جایی بوش، مدت زمان طولانی است که از رقابت‌ها کنار کشیده است. چرا در آمریکا، ترامپ نامزد جمهور یخوهران می‌شود؟ چرا وی با ساختن پوپولیستی و حمله به همه، در مبارزه‌های انتخاباتی صعود می‌کند؟ چرا برنی ساندرز به ساختارهای اقتصادی حاکم در آمریکا حمله می‌کند؟ ساختار حزبی و تقسیم قدرت و نقش رسانه‌ها در انتخابات آمریکا و رویکرد آنها در ترویج پوپولیسم و تهییج بی دلیل مردم چیست؟ این سوالات در این مقاله پاسخ داده خواهند شد. به همین دلیل در ادامه ابتدا شباهت‌های ترامپ و ساندرز بررسی می‌شود، سپس به تفاوت‌های آنها خواهیم پرداخت و در نهایت، نقش ساختار حزبی آمریکا در برآمدن افرادی بی تجربه و پوپولیست مانند ترامپ را مورد مذاکره قرار می‌دهیم.

### شباهت‌های دو پدیده انتخاباتی آمریکا

در آغاز رقابت‌های ریاست جمهوری آمریکا، کسی گمان نمی‌برد که ساندرز، بدل به رقیبی جدی برای هیلاری کلینتون مشهور گردد. هیلاری کلینتون، که از دوران جوانی و تحصیل در دانشگاه، سیاست را پیشه خود ساخته بود، بانوی اول کاخ سفید و ایالات متحده شد، رقیب و منسب کنونی آمریکا در انتخابات گذشته بود و رئیس وزارت خارجه آمریکاست که در دولت ریاست خود به دست آورد. او سال‌هاست برای تصدی رقیب جمهوری آمریکا و فرماندهی کل قوا در این کشور، به نامزدی او اما ساندرز با شعارهای خود، در بسیاری از ایالات، او را شکست داد و باعث شد پیش‌بینی‌ها به هم بخورد. وی نهادهای مالی و پولی آمریکا را مورد حمله قرار می‌دهد و بر این باور است که اقتصاد آمریکا بیمار است. این بیماری ناشی از نقش یک درصد در معیشت ۹۹ درصد دیگر و دخالت‌های وال استریت در سیاست است. حمایت سوپر پک‌ها (Super-Pac) بسیار اندک است و ساندرز دخالت آنها در انتخابات را نشانه بیماری سیاسی آمریکا می‌داند.

از سوی دیگر، ترامپ سخنان عجیبی بر زبان می‌راند. او توده‌پسندانه، به نهادهای حاکم در آمریکا و سیاست‌های اوباما حمله می‌کند، از نظر رسانه‌ای در پی جلب توجه است، در نرم‌های (Norms) ریاست جمهوری در آمریکا وادار نیست و بدون هیچ گونه سابقه‌ای در سیاست، حکمرانی، اداره عمومی و سیاست خارجی و صرفاً با اتکا به پول و ثروت فراوان خود در املاک و مستغلات، خود را واجد شرایط ریاست جمهوری می‌داند و به همه کس و همه چیز حمله می‌کند و از هیچ گونه حرکت غیر عادی خودداری نمی‌کند. بارها و بارها در تجمع هوادارانش، درگیری، آشوب و نزاع دسته جمعی رخ داده است.

برای بیخوش‌زدایی از جامعه آمریکا، دیگر شعارهای جریان سیاسی اصلی آمریکا جذابیت ندارد و میانگین اعتماد جامعه آمریکا به نهادهای حاکمیتی و عمومی این کشور بسیار کاهش یافته است. به همین دلیل، ترامپ و ساندرز در حمله به این نهادها (البته با انگیزه و هدف

حوزه‌های انتخابیه و انتخاب کاندیدای مورد نظر و پس از آن تشکیل کالج الکترول و تصمیم‌گیری، به معنای مشروط کردن رأی مردم است. از سوی دیگر، به رغم اینکه این سیستم تاکنون کارآمد و پابرجا بوده است، به نظر می‌رسد ساختار انتخابات دموکراسی حزبی در آمریکا دارای نقص‌های سیستمی

مشتک هستند. دلیل اقبال مردم آمریکا به افرادی همچون ساندرز و ترامپ نیز همین بیگانگی از تشکیلات سیاسی مستقر است. طرفداران هر دو نامزد نسبت به سیاست رسمی و سیاستمداران خشمگین هستند و افرادی همچون کلینتون و بوش را فریبکار و دروغگو و بی‌تمایلی نسبت به تغییر واقعی می‌دانند. ترامپ و ساندرز، اما علاوه بر شباهت‌هایی، دارای نکات افتراقی نیز هستند.

### تفاوت‌های ساندرز و ترامپ

چنانچه ذکر گردید، هم ترامپ و هم ساندرز پوپولیست هستند، به نهادهای حاکم در آمریکا حمله می‌کنند، و ضد نهادهای مسلط (Anti-establishment) هستند. اما این دو تفاوت‌هایی نیز با یکدیگر دارند. ترامپ هیچ گونه سابقه‌ای در امور کشورداری ندارد. به قول اوباما او از پس ریاست جمهوری آمریکا بر نمی‌آید، چون این امر، کاملاً جدی است و نیاز به تجربه دارد. در مقابل اما، ساندرز، سناتور، تحصیله کرده و با سابقه است و سابقه عضویت در سنای آمریکا را دارد. او از سال ۲۰۰۷، سناتور ایالت ورمونت است و تا سال ۲۰۱۹ بر سنای باقی خواهد ماند. ساندرز، سنجیده و با دقت و بر اساس استدلال سخن می‌گوید، ترامپ انسجام و ثبات نظری ندارد، به منتقدان و مخالفان توهین می‌کند، و هر بار موضع‌گیری جدیدی انجام می‌دهد. به عنوان مثال

### ساختار حزبی و رقابت‌های انتخاباتی آمریکا؛ محور اصلی پوپولیسم

مردم آمریکا یکی از غیرسیاسی‌ترین جوامع دنیا را تشکیل می‌دهند. آنها همواره در مسائلی انتخاباتی، سیاست داخلی و به خصوص اقتصاد را نقطه تمرکز خود برای رأی‌دهی قرار داده‌اند. سیاست خارجی و امنیتی، صرفاً در مواقع بحرانی مانند ۱۱ سپتامبر مورد توجه مردم آمریکا قرار می‌گیرد. به همین دلیل است که آنها در مورد مسائل سیاسی و انتخاباتی، در بست در اختیار رسانه‌ها هستند. چون اصولاً سواد سیاسی و اقتصادی ندارند. در انتخابات آمریکا، به دلیل ماهیت نسبتاً غیردموکراتیک آن، رسانه و ثروت نقش اصلی را بازی می‌کنند. رژه شواریت‌زینرگ، استاد جامعه‌شناسی سیاسی در سربون فرانسه در کتاب خود به نام «دولت‌نمایش» نشان داد که چگونه رسانه‌ها، مردم را به یک چهره وابسته می‌کنند و از آن‌ها فرزند منجی و حلال مشکلات می‌سازند. آمریکا کشور رسانه‌هاست و نامزدهای انتخاباتی برای پیروزی در انتخابات درون حزبی، باید پول جمع کنند و خود را وامدار نهادهای ثروت کنند. چون با این پول می‌توانند رسانه‌ها را در اختیار داشته باشند و با شعارهای دروغین، خود را منجی نشان دهند. دموکراسی‌های نسبتاً جانفاده غربی در اروپا و آمریکا (دو



چرا در آمریکا ترامپ نامزد جمهور یخوهران می‌شود؟ چرا وی با ساختن پوپولیستی و حمله به همه، در مبارزه‌های انتخاباتی صعود می‌کند؟ چرا برنی ساندرز به ساختارهای اقتصادی حاکم در آمریکا حمله می‌کند؟ ساختار حزبی و تقسیم قدرت و نقش رسانه‌ها در انتخابات آمریکا و رویکرد آنها در ترویج پوپولیسم و تهییج بی دلیل مردم چیست؟

اساسی می‌باشد. چنانچه افراد غیر متخصص و بدون تجربه به راحتی و با اتکا به پول و ثروت و رسانه، توانایی صعود در سیستم مذکور را دارند. در این یادداشت کوشش بر آن است تا با خوانش فضای سیاسی حاکم بر رقابت‌های انتخاباتی آمریکا، سیستم دموکراسی گزینشی این کشور را بیشتر مورد واکاوی قرار دهیم.

یک بار در مورد فروش هواپیما به ایران، خواستار ورود بوئینگ به بازار ایران است، سپس منتقد قرارداد بوئینگ با ایران می‌شود. بنیاد فکری ترامپ بر محدودیت استوار است. محدودیت ایران، محدودیت مسلمانان و اخراج مهاجران غیرقانونی از آمریکا، ساندرز اما، خواستار تعامل جدی با جامعه آمریکا است، با مسلمانان مشکلی ندارد و در پی جامعه شهروندمحور است. او بر خلاف ترامپ خواستار حذف و انحسار و محدودیت نیست. ترامپ به همه نهادهای حاکم در آمریکا حمله می‌کند، همه را مقصر وضعیت کنونی آمریکا می‌داند، افول هژمونی آمریکا، افزایش مهاجرین و وضعیت اقتصادی را دستمایه تهاجم به نهادها و انحصار منتقد در آمریکا قرار داده است و حتی به هم‌حزبی‌های خود نیز رحم نمی‌کند، اما نقطه تمرکز ساندرز بیشتر نهادهای اقتصادی آمریکا است. او به عنوان سوسیالیست دموکراتی متفکر، پول کیسرف را عامل اوضاع اقتصادی آمریکا می‌داند و وال استریت را کانون تهاجم خود قرار داده است. اما ساندرز و ترامپ، نهایتاً در ساختار سیاسی آمریکا صعود کرده‌اند و در این ساختار، کارگزار استقلال کامل ندارد. به عبارت دیگر، حال زمان بررسی نقش ساختار حزبی و سیاسی آمریکا در برآمدن افرادی همچون ترامپ است که هیچ‌گونه سابقه سیاسی و اجرایی ندارد.

### ساختار حزبی و رقابت‌های انتخاباتی آمریکا؛ محور اصلی پوپولیسم

مردم آمریکا یکی از غیرسیاسی‌ترین جوامع دنیا را تشکیل می‌دهند. آنها همواره در مسائلی انتخاباتی، سیاست داخلی و به خصوص اقتصاد را نقطه تمرکز خود برای رأی‌دهی قرار داده‌اند. سیاست خارجی و امنیتی، صرفاً در مواقع بحرانی مانند ۱۱ سپتامبر مورد توجه مردم آمریکا قرار می‌گیرد. به همین دلیل است که آنها در مورد مسائل سیاسی و انتخاباتی، در بست در اختیار رسانه‌ها هستند. چون اصولاً سواد سیاسی و اقتصادی ندارند. در انتخابات آمریکا، به دلیل ماهیت نسبتاً غیردموکراتیک آن، رسانه و ثروت نقش اصلی را بازی می‌کنند. رژه شواریت‌زینرگ، استاد جامعه‌شناسی سیاسی در سربون فرانسه در کتاب خود به نام «دولت‌نمایش» نشان داد که چگونه رسانه‌ها، مردم را به یک چهره وابسته می‌کنند و از آن‌ها فرزند منجی و حلال مشکلات می‌سازند. آمریکا کشور رسانه‌هاست و نامزدهای انتخاباتی برای پیروزی در انتخابات درون حزبی، باید پول جمع کنند و خود را وامدار نهادهای ثروت کنند. چون با این پول می‌توانند رسانه‌ها را در اختیار داشته باشند و با شعارهای دروغین، خود را منجی نشان دهند. دموکراسی‌های نسبتاً جانفاده غربی در اروپا و آمریکا (دو

### صراط

#### قرآن مبنای پیشرفت باشد، نه ترجمه



علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده هم نکنند، لکن مبنای مبنای قرآنی باشد. دیدار با جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور، ۸۸/۷/۲۸

این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه‌ای، بدون اینکه گونه فکر تحقیقی اسلامی را اجازه بدهیم در آن راه پیدا کنند، می‌آوریم. تو دانشگاه‌های خودمان و در بخش‌های مختلف اینها را تعلیم می‌دهیم؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد. یکی از بخش‌های مهم پژوهش قرآنی این است. باید در زمینه‌های گوناگون به نکات و دقائق قرآن توجه کرد و مبنای علوم انسانی را در قرآن کریم جست‌وجو کرد و پیدا کرد. این کار بسیار اساسی و مهمی است. اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب‌نظران در علوم مختلف انسانی می‌توانند بر این پایه و اساس بناهای رفیعی را بنا کنند. البته آن وقت می‌توانند از پیشرفت‌های دیگران، غربی‌ها و کسانی که در

### پیشخوان

#### ترجمان، گامی برای ترجمه علوم انسانی

هدف ترجمان همان گونه که برقرار کردن ارتباط فکری میان زبان فارسی و دیگر زبان‌های زنده دنیا است. اما چنین کاری در زمان حاضر که دوران فراوانی ترجمه و مترجم در میان فارسی‌زبانان است، چه اهمیتی ندارد؟ ما معتقدیم هر متنی ارزش ترجمه و کپی‌کپی‌های آشفته نگهداری می‌شود؟ حال آنکه همان مطلب را می‌توان به آسانی با جست‌وجوی گوگل پیدا کرد. آیا در این کار که زمانی یکی از فعالیت‌های دانشگاهی ضروری بوده، نوعی بی‌پرسی وارد شده است؟ موضوع بحث من مراجعه به منبع پانویست‌ها نیست؛ حرف من اطلاعات اضافی و خسته‌کننده هنگام توضیح دقیق نقل قول است. آیا خوانندگان باید حتماً بدانند که انتشارات دانشگاه پیل در میوه‌چون و انتشارات کفاف در نیویورک است؟ این چه کمکی برای تسهیل یافتن یک نقل قول می‌کند؟ وقتی کسی عنوان اثر و نام خانوادگی نویسنده را داشته باشد، آیا واقعاً نیازی به حروف اول یا نام کوچک نویسنده هست؟ انتشارات دانشگاه آکسفورد، نام کوچک نویسنده را به‌طور کامل

«در عصر اینترنت آیا واقعاً نیاز داریم پانویست‌ها را به نقل قول‌های داخل متن، ارجاع دهیم؟ آیا کتابی که قرار است آن را جلدی بگیریم، باید ما را به صفحات کهنه کتابی که نابودی هدایت کند که در اعماق کتابخانه‌ای آشفته نگهداری می‌شود؟ حال آنکه همان مطلب را می‌توان به آسانی با جست‌وجوی گوگل پیدا کرد. آیا در این کار که زمانی یکی از فعالیت‌های دانشگاهی ضروری بوده، نوعی بی‌پرسی وارد شده است؟

موضوع بحث من مراجعه به منبع پانویست‌ها نیست؛ حرف من اطلاعات اضافی و خسته‌کننده هنگام توضیح دقیق نقل قول است. آیا خوانندگان باید حتماً بدانند که انتشارات دانشگاه پیل در میوه‌چون و انتشارات کفاف در نیویورک است؟ این چه کمکی برای تسهیل یافتن یک نقل قول می‌کند؟ وقتی کسی عنوان اثر و نام خانوادگی نویسنده را داشته باشد، آیا واقعاً نیازی به حروف اول یا نام کوچک نویسنده هست؟ انتشارات دانشگاه آکسفورد، نام کوچک نویسنده را به‌طور کامل



بالاتر و محتوایی غنی‌تر ترجمه کنیم. تا سال‌های پیش از این، چاپ ترجمه مقالات بلند در نشریات علمی-پژوهشی و علمی-ترویجی، امری رایج بود، ولی امروزه به هر دلیل، ترجمه این مقالات به کناری سپرده شده است. اما مهم آن است که از اهمیت این مقالات کاسته نشده است و خواننده فارسی‌زبان محتاج دسترسی به این منابع است. از این رو، ترجمان مقالاتی را در دستور کار خود قرار داده است که نوشته‌های کلیدی و مؤثر نویسندگان اصلی در رشته‌های گوناگون علوم انسانی محسوب می‌شود.

می‌خواهد. گاهی اوقات یافتن چنین نامی دشوار است؛ چون برخی نویسندگان خودشان هم از حروف اول اسمشان استفاده می‌کنند. اما سؤال اصلی اینجاست: آیا هیچ‌گاه نمی‌خواهیم قبول کنیم که فناوری مدرن، اینگونه مسائل را تغییر داده است؟ (تیم پارکس، نیویورک ریویو او بوکز).

یادداشت فوق، یکی از یادداشت‌هایی است که چندی روزی است در خروجی سایت «ترجمان» قرار گرفته است.

نقد جدی مطرح شده در یادداشتی – که مطالب فوق بخشی از آن است – ناظر به این مسئله است که ورود اینترنت و فضای مجازی باعث ناکارآمدی سیستم سنتی و قدیمی پژوهش از جمله ارجاع‌دهی مطالب است.

این که دسترسی به آخرین مقالات خاصه ترجمه‌ها، تا چندی پیش جز با جست و جو در میان کتب فرسوده و انتظار برای در اختیار داشتن متون ترجمه‌های علوم انسانی میسر نشده است. سایتی نظیر ترجمان توانسته تا حدودی این جنبش را با تسخیر دهد.

سایت ترجمان که توسط جمعی از دغدغه‌مندان علوم انسانی راه‌اندازی شده است، در قسمت توضیحات خود این هدف را قابل دسترسی است.

سازمان آگهی‌های  
روزنامه جوان  
تلفنی آگهی می‌پذیرد  
۸۸۴۹۸۴۷۳